

عشق را نمی‌توان نوشت

نامه‌هایی به خط عشق

احمد تیموری

(محقق و پژوهشگر روانشناسی عشق)

با مقدمه ای از استاد جلیل معماریانی

تیموری، احمد

نامه هایی به خط عشق / احمد تیموری. - مشهد: همیاران جوان، ۱۳۸۵.
۳۶۸ ص.

بهاء ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۱ - ۱۷ - ۲۵۷۶ - ۹۶۲

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. عشق. ۲. عشق - روانشناسی. الف. عنوان.

۲ ن ۹ ت / HF ۵۷۵ ن ۹۸۳ ت ۱۵۲ / ۴۱

می نویسم تا دریابم چقدر نمی دانم

نامه هایی به خط عشق

نام کتاب : نامه هایی به خط عشق

نام مولف : احمد تیموری

ویراستار : راحله کشفیان

ناشر : همیاران جوان

طراحی جلد و صفحه آرایی : ترابیکی ۰۹۱۵۳۰۲۸۲۳۰

شمارگان : ۲۱۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول

تاریخ انتشار : تابستان ۱۳۸۵

چاپ و صحافی : دقت

تعداد صفحه : ۳۶۹

قطع : رقعی

قیمت : ۳۰۰۰۰ ریال

شابک : ۹۶۴ - ۲۵۷۶ - ۱۷ - ۱

تمامی حقوق این اثر متعلق به موسسه فرهنگی هنری گلبانگ جوان می باشد.

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۵۵۰۲۸۱۵۸، ۰۵۱۱-۸۴۲۹۲۶۳

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۳	مقدمه
۱۷	دییاجه
۳۱	نامه اول
۵۱	نامه دوم
۶۹	نامه سوم
۹۹	نامه چهارم
۱۱۱	نامه پنجم
۱۲۷	نامه ششم
۱۳۱	نامه هفتم

صفحه	عنوان
۱۵۵	نامه هشتم
۱۷۵	نامه نهم
۱۸۹	نامه دهم
۲۰۳	نامه یازدهم
۲۱۷	نامه دوازدهم
۲۳۷	نامه سیزدهم
۲۴۷	نامه چهاردهم
۲۶۵	نامه پانزدهم
۲۸۵	نامه شانزدهم
۳۰۳	نامه هفدهم
۳۱۵	نامه هجدهم و آخر
۳۳۵	واپسین سخن
۳۴۹	خرده نامه های عاشقانه
۳۶۲	از همین نویسنده منتشر خواهد شد
۳۶۳	نامه هایی به خط زندگی
۳۶۴	عشق حق مسلم ماست
۳۶۵	سینرژیک
۳۶۶	ابر موفقیت
۳۶۷	NLP در طراحی تست

مقدمه:

« به نام یگانه هستی بخش »

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر

یادگاری که در این گنبد دوار بماند

عشق چیست؟ عاشق کیست؟ چگونه در خودمان عشق بیافرینیم؟
معیارهای عشق و عاشق چیست؟ حد و مرز آن کدام است؟ تاثیر آن
در زندگی چیست؟ ارزش این سرمایه عظیم الهی چقدر است؟ چند تا
عاشق سراغ داریم؟ آیا عشق درجات دارد؟ مراتب مختلف عشق و
عاشق چیست؟ معشوق کدام است؟ آیا عشق آزاد ورزیدن به
معشوق‌های فقیر و محتاج، عشق را گرفتار نمی‌کند؟ آیا عشق یک
گرفتاری جدید است؟ آیا عشق آزاد می‌کند یا اسیر؟ آیا بزرگی
معشوق در تربیت عاشق تاثیر می‌گذارد؟ چگونه می‌توان عاشق
شد؟ از چه راهی عشق را کنترل کنیم؟ آیا اصلا عشق منطق و عشق
با هم سازگاری دارد؟ چگونه؟ آیا برداشتی که از عشق داریم
صحیح است؟ واقعا چگونه ادعای کسانی را که دم از عشق بودن
می‌زنند باور کنیم؟ آیا عشق هم آلوده می‌شود؟ چگونه؟
کالبد شکافی این واپه کار دشواری است. آنچه اهمیت دارد
مبنای نگرش و زیر ساخت معرفت انسان نسبت به این واژه کار

دشواری است. آنچه اهمیت دارد مبنای نگرش و زیر ساخت معرفت انسان نسبت به این واپه مظلوم و غریب است.

واقعیت مطلب این است که عشق باید انسان را آزاد کند نه اسیر. اگر عشق نتواند حوزه های اسارتی انسان را بشناسد و او را در خود گرفتار کند یک اسارت جدیدی را رقم زده است. باید مراقب بود و با معیارهای مبتنی بر نگرش الهی باید عشق را سنجید، باید آن را ببوید، باید آن را چشید، باید آن را بلعید و گرنه یک بازی جدید است. ما انسان ها عاشق آفریده شده ایم. به میزان انتخاب معشوق هایمان عشق در رگهایمان جاری می شود و جنس آن عشق که در وجودمان و قلبمان جاری است بستگی به معشوق دارد؛ اینجاست که ضرورت شناخت و معرفت بطور واضح و روشن آشکار می گردد.

کسانی که از این راه حرکت می کنند به عشق پایدار و آزادی می رسند و گرنه به عشق های مقطعی و آلوده می رسند که ابتدا خیلی زیبا جلوه می کند و پس از مدتی تنفر را می زاید. عاشق، کسی است که توقع را در خود از بین برده است و خودخواهی را از میان برداشته است عاشق خداست، چون عاشق خداست به خلق خود عشق می ورزد، به مخلوق او هم عشق می ورزد.

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست.



این کتاب که با قلم هنرمندانه دوست عزیزم جناب آقای احمد تیموری نگاشته شده است، رنگ و بوری از عشق دارد. مطالعه این کتاب را مخصوصا به جوانان عزیز توصیه می کنم چون از زاویه های کاربردی و عملی به عشق پرداخته شده است. این زاویه ها، تمام زوایای ممکن نیست. شما هم می توانید اینگونه نگاه کنید و زوایای جدیدی کشف کنید. فقط می توانم بگویم که واقعا برخی از این جملات ایشان، تجلی گاه میدان های عمل خودشان بوده است و من با چشمان خودم، عشق سرشار ایشان به آدم ها را شاهد بوده ام. نکته اصلی اینجاست که شما خوانندگان عزیز به آگاهی های بیشتری دست بیابید تا بتوانید در نهایت خودتان تصمیم بگیرید. این کتاب و این اندیشه نیز مثل تمام کتابها و اندیشه ها قابل نقد و بررسی است، اما زیبایی آن به روانی آن و صدای عاشقانه آن است و من هم به این نوع حرکت عاشقانه احترام می گذارم. امیدوارم خدای بزرگ به ما معرفت و شناخت واقعی عطا فرماید که خودمان را فقط برای او خرج کنیم.

با احترام - جلیل معماریانی

عشق، جوشش سیالی است. جاودان: می‌پروازند و
می‌کستراند؛ و محافظت می‌کند تا رسیدن به هدف غایی؛
یعنی زندگی.

دییاجه

«این کتاب مجموعه نامه هایی است که در مسیر
(بِسودن) و (شُدن)
قدم می زنند.»



این دفتر، از عشق می‌گوید. که هرچند حدیث مکرری است؛
اما باز، از هر زبان که می‌شنویم، رنگ دیگر است.

«نامه‌هایی به خط عشق»

بر اساس برداشتی آزاد، از راویان و استادان عرصه عشق

در ازل، حرف بود، سپس کلمه بود و کلمه، خدا بود.
پس، بنام آن خدا، که عشق را، در قاب نیلی
زندگیمان، جاری ساخت.
این حقیقت، که افراد مختلف، روایات متفاوت از عشق دارند؛
گویای سر عظیمی در کنه عشق است.

کوشش، برای جستن راز عشق و چیستی آن، می تواند سعی
بیهوده ویاس آوری، باشد. زیرا هیچ گاه، داستان یکسانی موجود
نیست، هر کس نقلی دارد، نامش را، قصه ی عشق می گذارد. اما، در
این قصه، چه چیزهایی نهفته است؛ برای هر شخص، رنگی دیگر دارد.
سوگوارانه، بایست گفت: در جامعه ی امروز ما، سخن عشق
گفتن، امریست جسارت آمیز و نقالان و راویان این قصه ی کهن،
می بایست از جسارت و شهامتی خاص، برخوردار باشند. گزافه
سخنی نیست، اگر بگوییم، روزگار ما به طور کلی، معنای عشق
را به فراموشی سپرده است و از این واژه ی مقدس، تا حد امکان،
سوء استفاده شده است و در چهارچوب آن محراب خیال، به قدری
اعمال غیرانسانی صورت گرفته، که دیگر، اندک شماری از عشق،
برداشتی خوشایند دارند و می دانند چیستی آن را.

کردار افراد بسیاری، در زمینه ی عشق، هیچ تناسب و سنخیتی،
با باورشان ندارد. توقعات ما از عشق، هرگز در شان این واژه ی
ستrg بنیان هستی، نیست. و توهینی است بس آشکار، بر این

ارمغان بی بدیل خداوندی. روشی که دردمندانه می رود تا به عنوان یک قانون، عمومیت یابد.

و اما عشق، به طور کلی، خاصه در جامعه ای که تاکیدش بر کارایی، خلاقیت و حقایق معنوی است؛ یک عنصر حیاتی و ضروری، محسوب می شود. در بسیاری مواقع، دلیل ناکامی ها، اضطراب ها، بیماری ها و افسردگی ها، چیزی جز فقدان عشق نیست. بی شک، اکسیر عشق، درمان ناهنجاری های، هزاره ی جدید است. معنای عشق: اشتیاق، مشارکت، تبلور احساس و ارتباط خوب و صمیمانه است. سخن گفتن از، موثرترین طریق داد و ستد عشق، برای ما از ارزشی فوق العاده برخوردار بوده و موهبتی گران قدر محسوب می گردد.

کتابی که هم اکنون، منظر نظر شماست، «نامه هایی به خط عشق» نام گرفته است؛ که اساس آن، برداشتی آزاد، از تجربیات ارزشمند نظریه پردازان، پژوهشگران و محققین عرصه ی عشق در سطح جهان است؛ که در کتاب ها و مقالاتشان به رشته ی تحریر، کشیده شده است. تجربیات و قوانینی که برخی از آن ها، درست مغایر با اندیشه های انسانی و آرمانی از عشق، در جامعه وجود دارد. هرچند در این کتاب، از تجربه های ماندگار ذهن خویش نیز، بهره گرفته ام. تجربیاتی که بازتاب دردها و غصه ها، اسرار خانوادگی و حادثه های مسیر عشق، هستند. هم چنین، موفقیت و

ناکامی عزیزانی را که در این عرصه، درس‌های بسیار بزرگ و بس ارزشمندی را آموختند هم، چاشنی کار شد.

شخصاً، به این حقیقت دست یافته‌ام که، هرگاه انسان‌ها در مسیر زندگی، دست و پای بسته می‌گردند و دیگر هیچ راهی برای رهایی و نجات نمی‌یابند، لاجرم دست به دامن راه حلی معجزه‌آسا می‌شوند؛ و این راهیست که همیشه و همه جا، در دسترس همگان قرار دارد و نام آن، عشق است. و شاید به همین جهت، عشق، به جام مقدس زمانه‌ی ما، بدل شده‌است. عشق، ناگهان در اوج دلمردگی و ناامیدی به یاری ما می‌شتابد و سبب ایجاد مسیری جدید در زندگیمان، به دست خودمان، می‌گردد.

شخصی که مطالب این کتاب را، لاقلاً یک بار بخواند: «خواهد توانست، عشق را بیاید بیاورد». چرا که انسان، می‌نویسد تا فراموش کند و می‌خواند تا به یادآورد که:

«در مسیر عشق گام بر دارد و از پلکان مرمرین عشق، صعود کند»، حتی اگر نتواند از پله‌ی اول شروع کند، کم‌کم شروع کردن از روی زمین را، تواند.

سوء تعبیر نشود؛ این کتاب برآن نیست، تا به شما عشق را آموزش بدهد؛ که بنده، نه مدرس عشقم و نه متخصص آن؛ و نه حتی نویسندۀ حوزه‌ی عشق. تنها ارمغان من، بذری جدیدی ست به شما؛ تا آن را بکارید و آبیاری کنید؛ باشد که، نهال رابطه‌ای سرشار از

عشق در باغ سرسبز زندگیتان بروید. آنگاه انسانی دیگر خواهید
 شد، با دیدگاه و نگرشی دگرگون شده. دیگر هیچ کس شما را
 نخواهد شناخت. دیگر هیچ کس جرات بازی با عشق و احساس و
 صمیمیت شما را در خود نمی‌یابد. «انسانی می‌شوید، عاشق، سرشار
 از احساس، سرخوش و سلامت، لبریز از آرامش خیال، مانند آب
 جاری و دست نیافتنی، مانند دریا پر قدرت و پرشکوه، هم چون کوه
 سرسخت و آرام و چون نسیم سبکیال و رها». می‌توانید به هر چه
 اراده کنید، دست یابید و ببینید اعجاز عشق را، به وضوح.
 ناگفته عیان است، نوشتاری که فقط در قالب یک متن خواندنی،
 حبس شود، هیچ گرمی را از هیچ کلافی باز نمی‌کند. باید عملاً وارد
 کارزار شد، تا به نتایج عالی دست یافت؛ تجربیات و گفتارهای ارانه
 شده را، تبدیل به شناخت کرد و شناخت را، ابزاری برای خوب
 زیستن.

سفارش من به شما، این است که، نامه‌های نگاشته شده در این
 کتاب را، پشت سر هم نخوانید؛ برای پی بردن به معنای نهفته‌ی آن،
 هر مرتبه یک نامه بخوانید و یا حتی یک نامه را چندین مرتبه
 بخوانید، باشد که روح حاکم بر آن را دریابید. هرچند این کتاب، پر
 پرواز شما از فرش تا عرش نمی‌شود، اما یاریتان می‌کند تا تمرکز
 خود را معطوف به کیفیت رابطه‌ی عاشقانه‌ی خود کنید و به عشق و
 پیوندهای عاشقانه‌ی شما، معنای تازه و هدف نو می‌بخشد. یاریتان

خواهد کرد تا، موانعی را که سد راه رابطه‌ی عمیق عاشقانه‌ی شماست، تا حد زیادی از میان بردارید و عشقی را که محتاج آن هستید، بیابید و نسبت به آن احساس مسئولیت کنید و مسیر بدست آوردنش را بشناسید.

اصراری به تحسین برانگیز و دل‌پذیر جلوه‌دادن این کتاب ندارم. حتی یک سطر آن را هم، برای زیبا ساختن کلام، ننوشته‌ام و ادعایی نیز، ندارم؛ چرا که موضوعات نقل شده در این نامه‌ها را، نه کسی برایم روایت کرده و نه خود را نویسنده‌ی قابل‌ی می‌دانم، تا توانم جملات ناب و پرازشی را، آن هم در میدان جسولان عشق، به خوانندگان فهیم و دانش‌ور، عرضه‌دارم. تنها همان طور که بیان کردم، آن چه که به رشته‌ی تحریر کشیده‌ام، مجموعه‌ی نظم یافته و قوام گرفته از جواهرات خرد و صدف‌های درایت نویسندگان و اساتید عرصه‌ی عشق است که شخصا از آن بهره‌ها گرفته‌ام. به زبان گویاتر، این کتاب، الهام گرفته از اندیشه‌های عاشقانه و تجربیات ارزندی آن‌هاست. امیدوارم، ارائه‌ی این اندیشه‌ها، موجب برانگیختن تجزیه و تحلیل شما و بیدار کردن احساس شما و در آخر دست بکار شدن شما گردد. کاری که زمینه‌ی رشد و دگرگونی را، فراهم کند. به همان صورت که در مواقع بحران و ایجاد شرایط ذهنی نامناسب به یاری من و دیگر دوستانم آمد و درس‌های بسیار به ما آموخت و به اعجاز عشق، نویدمان داد.

در واقع، «نامه‌هایی به خط عشق»، مجموع نامه‌هایی هستند که در مسیر (بودن) و (شدن) قدم می‌زند.

نامه‌هایی به خط آن یکی، که نبود و به مقصد آن یکی، که بود. نامه‌هایی برای یگانه‌ی خود. البته همه در خواندن آن مجازند، که لطف عشق در تقسیم و تسهیم آن است؛ که هر یکی، یکتایی دارد از آن خودش.

این نوشته، قصه‌ی حقیقی یک قلب است. روایت روحی که به دنبال حقیقت می‌گشت و داستان حقایقی که با رنج و سختی به بند کلمات کشیده می‌شوند، تا در ذهن و قلب، هستی یابند. که روایت ناب عشق هرگز در فراسوی زمان، گم نگردد.

این مجموعه، فقط «نامه‌هایی به خط عشق» من، نیست. بلکه سخن بسیاری از عاشقان به محبوب خود است. اشخاصی که به دلیل تحمل رنج‌های بسیار در زندگی، به حیات بخش بودن عشق، ایمان آورده‌اند. کسانی که می‌خواهند، ناگفته‌های عشق خود و دغدغه‌هایشان از روابط عاشقانه را در قالب واژه و جمله به طور موثر و مناسب به معشوق خود، عرضه دارند؛ بلکه ستون‌های سرای عشقشان را، مستحکم‌تر و پرتوان‌تر سازند.

پس این کتاب تقدیم می‌شود به تمام کسانی که، واگویی‌های دل خود را، در آن می‌یابند. تقدیم می‌شود به تمام سوت‌ه دلانی که،

در پی عشق نساب هستند و نیازمند یاری هم دل، که بدارشان، درکشان کند و دوستشان بدارد، بدون هیچ چشم داشتی.

خود را ملزم به بیان حقیقتی نزد شما می دانم؛ پیش از این‌ها قصد داشتم، این کتاب را بنویسم؛ اما وسواسی دیوانه و ار برای نگارش کتابی عاری از عیب و نقص، هربار راهزن را هم می شد. تا سرانجام به این نتیجه رسیدم که، علی رغم تمام کاستی‌ها، ضعف‌ها و نقص‌های کتاب، دلایلم برای نوشتن، بیش از ننوشتن است.

شاید اندیشه‌های ارائه شده، در نگاه اول، ناهمگون به نظر آید و مطالب کتاب از ساختاری هم‌آهنگ و انسجامی یک پارچه و انشایی پراهنک و یک دست، برخوردار نباشد. اما کم کم، در قالبی ساده و روان نگاشته شده. تمام مطالب در عمل، به حوزه ی یگانه ی عشق تعلق دارند. کنه پیامشان، بیانگر شادی و نشاطی است که فقط در طریق عشق، حاصل می شود. لازم به ذکر است، مطالب موثرتر و مهم تر، به منظور تاکید و تاثیر بیشتر، تکرار شده اند.

از این که نوشتن این سطور، دلیلی شد تا از اندیشه‌های نساب پرشورترین و عاشق ترین انسان‌های جامعه ام، بهره مند شوم، احساس غرور و افتخار می کنم. مخصوصاً، عاشق معلم اسطوره یی عشق، استاد نادر ابراهیمی، که در بعضی از نامه‌ها، قطعاتی از آثار بی بدیل این بزرگ ارجمند، «یک عاشقانه ی آرام» و «چهل نامه ی کوتاه به همسرم»، عیناً نقل شده است. بر خود واجب

می‌دانم، نهایت ادب و ارادت عاشقانه و خالصانه‌ی خود را، به حضور عارفانه‌شان، ابراز دارم و از ایزد منان، صحت و سلامت دوباره‌ی ایشان را، عاجزانه التماس کنم و آرزو کنم که درپناه حضور باری تعالی، مؤید، منصور و محفوظ بماند.

انگیزه‌ی اصلی من از نگارش این کتاب، تنها عشقی بوده است که به شما خوبان، داشته‌ام. انتظار ندارم که پس از خواندن این کتاب، احساس کنید چیز زیادی از عشق آموخته‌اید. اما اگر یک نفر هم، پس از به سر بردن این کتاب، خود را شادتر و سبک‌بال‌تر احساس کند و شمع وجودش از نسیم دل‌پذیر عشق، شعله‌ور گردد، یا نره‌بی‌ناچیز بر دانش وی در زمینه‌ی عشق، اضافه شود؛ انتظارات من، برآورده شده است و مزد زحمات ناچیزم را، دریافت شده می‌پندارم. چرا که بی‌تردید وقتی فردی پای در میدان عشق نهد، تازه می‌یابد که چه فرصت‌هایی برای عاشق شدن در اختیار دارد.

در هر صورت، امیدوارم این کتاب، نقطه‌ی عطفی بهاری و پر طراوت برای شما باشد و بتواند زندگی شما را تبدیل به سفری شکوه‌مند با کوله‌باری از عشق کند و بر کیفیت و زیبایی عشقتان بیفزاید و دیدگاهی نوین نسبت به عشق شما را بخشد و به نهمین عشق در زندگیتان، یاری رساند.



نامه‌هایی به خط عشق/۲۷

آرزو دارم، تمام خوانندگان این سطور عاشقانه و امیدوار، در تمام مدت عمر خود، مشغول تجربه ی عشق باشند و در عشق رشد کنند و از عشق، انباشته گردند.

زیر سایه ی خالق نیلوفرها، مهربان باشید و شکوفا

احمد تیموری

فروردین ماه - ۱۳۸۵ - مشهد.

تقدیر نامه

از آن جا که، یکی از عوامل مهم عاشقانه زیستن، سپاس گذار بودن است؛ لذا صمیمانه از همه ی کسانی که به نوعی در تهیه ی این کتاب سهمی داشته اند، قدر دانی می نمایم.

از اساتید عزیز، جناب مهندس جلیل معماریانی و جناب دکتر اسماعیل گلشن، به دلیل الطاف بی شائبه یی که به من روا داشته اند و مشوقان اصلی من در این وادی بوده اند سپاس گذارم، که اگر نبود راهنمایی‌ها و تشویق‌های آنان، این کتاب هیچ گاه، نگاشته نمی شد. از سرکار خانم رویا قوام پور به دلیل زحمات بی دریغشان در بازنویسی مطالب و سر و شکل دادن به جملات و کلمات ناخوانا، از سرکار خانم منا خداداد پور و فاطمه زواره ای که با زیبایی و دقت عملی قابل تحسین، کار تایپ و حروفچینی را برعهده گرفته اند، کمال تشکر را دارم. همچنین از سرکار خانم زهرا ترابیگسی که در صفحه آرایی کتاب و ارائه کارهای گرافیکی و خلق طرح بدیع روی جلد، کوششی وافر کردند و از سرکار خانم راحله کشفیان، که با دقت و مهارتی کم نظیر، کار ویرایش کتاب را برعهده داشتند و به جملات و کلمات نا هماهنگ، آهنگی موزون دادند متشکرم.

از آقایان مرتضی نامسور و مهندس رشیدسی که با نظر و دقتی چشم‌گیر، هماهنگی‌های چاپ و نشر را، از آغاز تا انجام عهددار بوده اند، کمال امتنان را دارم. همچنین از دوستان عزیز و شفیقم، آقایان سید جواد علوی و جواد عباسی - اعضای موسسه ی گلپانگ جوان - و وحید محمودی - رئیس هیئت مدیره ی موسسه ی فرهنگی خورشید - و سرکار خانم حمیده صادقی که در این مسیر یار و یاورم بوده اند، بسیار ممنونم.

عمیق ترین سپاس هایم را، همراه با ارادت و عشقی بیکران، نثار عزیزانی می‌سازم که موجبات آسایش و آرامش مجدد روح و روانم را فراهم نمودند و شعله ی امید را دوباره در وجودم افروختند تا بار دیگر، میل خواستن آغاز کنم تا برسم به معنای توانستن. و از همه ی شما عزیزان که دیدگان خود را، خسته ی خواندن می کنید، سپاس دارم.

با سپاس فراوان

احمد تیموری